

بزرگ‌ترین متحد آمریکا و یواس اس لیبرتی

در ۸ ژوئن ۱۹۶۷، در میانه جنگ شش‌روزه، هواپیماها و شناورهای نیروی دریایی اسرائیل به کشتی اطلاعاتی نیروی دریایی ایالات متحده، یواس اس لیبرتی، حمله کردند که منجر به کشته شدن ۳۴ آمریکایی و زخمی شدن ۱۷۱ نفر دیگر شد. این رویداد همچنان یکی از تاریک‌ترین و بحث‌برانگیزترین فصل‌های تاریخ نظامی ایالات متحده باقی مانده است - نه تنها به دلیل خود حمله، بلکه به دلیل سرپوش گذاشتن بعدی. با توجه به سابقه گسترده‌تر اسرائیل در تجاوزات بی‌جهت، تاکتیک‌های خیانت‌آمیز و بی‌اعتنایی به قوانین بین‌المللی، ماجرای لیبرتی به‌عنوان نمونه‌ای دردناک از چگونگی قربانی کردن جان سربازان خود توسط دولت ایالات متحده به نفع “رابطه ویژه” با به‌اصطلاح بزرگ‌ترین متحد آمریکا برجسته است.

الگویی از تجاوز و خیانت

اقدامات اسرائیل در سال ۱۹۶۷ را نمی‌توان به‌تنهایی بررسی کرد. جنگ شش‌روزه خود با حمله هوایی پیش‌دستانه و غیرموجه اسرائیل به مصر آغاز شد - نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد. حقوق بین‌الملل تنها اقدامات دفاعی پس از حمله مسلحانه را به رسمیت می‌شناسد؛ هیچ دکترین حقوقی برای “دفاع پیش‌دستانه” وجود ندارد. با این حال، اسرائیل بارها جنگ‌ها و حملات یک‌جانبه خود را تحت این توجیه ساختگی پنهان کرده است، از حمله به سینا در سال ۱۹۵۶ تا حمله به راکتور اوسیراک عراق در سال ۱۹۸۱ و فراتر از آن.

به همان اندازه نگران‌کننده، سابقه اسرائیل در فریبکاری در جنگ است. بمب‌گذاری هتل کینگ دیوید در سال ۱۹۴۶ توسط شبه‌نظامیان صهیونیست که خود را به‌عنوان عرب مبدل کرده بودند، انجام شد. “ماجرای لاوون” در سال ۱۹۵۴ شامل مأموران اسرائیلی بود که بمب‌هایی را در اهداف غربی در مصر کار گذاشتند تا گروه‌های محلی را متهم کنند. و به‌تازگی در سال ۲۰۲۴، نیروهای اسرائیلی خود را به‌عنوان پزشک، پرستار و بیمار مبدل کردند تا سه فلسطینی را در داخل بیمارستانی بکشند - عملی که طبق کنوانسیون‌های ژنو تعریف خیانت را برآورده می‌کند. در این زمینه، وقایع ۸ ژوئن ۱۹۶۷ کمتر به‌عنوان یک حادثه غم‌انگیز و بیشتر به‌عنوان بخشی از یک روش عملیاتی تثبیت‌شده به نظر می‌رسد.

حمله به یواس اس لیبرتی

لیبرتی یک کشتی نیروی دریایی ایالات متحده بود که به‌وضوح مشخص شده بود، مجهز به آنتن‌ها، با شماره بدنه و نام آن که با حروف بزرگ رنگ‌آمیزی شده بود و پرچم آمریکایی چنان بزرگی داشت که نمی‌توانست نادیده گرفته شود. بازماندگان شهادت دادند که هواپیماهای شناسایی اسرائیلی چندین بار در آن صبح بر فراز کشتی پرواز کردند، آن‌قدر نزدیک که خلبانان به ملوانان روی عرشه دست تکان دادند. چند ساعت بعد، جت‌های اسرائیلی بدون علامت با موشک، ناپالم و آتش توپخانه حمله کردند.

حمله در مراحل مختلف پیش رفت. ابتدا، حملات هوایی ارتباطات را قطع کرد، همراه با پارازیت عمدی رادیویی برای جلوگیری از رسیدن فریادهای کمک به ناوگان ششم ایالات متحده. سپس قایق‌های اژدرانداز وارد شدند که یکی از آن‌ها اژدری شلیک کرد که سوراخ عظیمی در بدنه کشتی ایجاد کرد و ۲۵ نفر را فوراً کشت. بازماندگان گزارش دادند که قایق‌های

مسلح اسرائیلی به قایق‌های نجات شلیک کردند - جرمی آشکار جنگی طبق قوانین درگیری مسلحانه. در نهایت، هلیکوپترهای مسلح بر فراز کشتی تخریب‌شده پرواز کردند قبل از اینکه حمله را متوقف کنند. در هر مرحله، مهاجمان فرصت داشتند تشخیص دهند که لیبرتی آمریکایی است. در هیچ مرحله‌ای متوقف نشدند.

اسرائیل بعداً ادعا کرد که لیبرتی را با کشتی حمل اسب مصری **القصور** اشتباه گرفته است. این توضیح تحت بررسی فرومی‌ریزد. این دو کشتی هیچ شباهتی در اندازه، شکل یا تجهیزات نداشتند. علاوه بر این، حتی اگر اسرائیل واقعاً معتقد بود که به **القصور** حمله می‌کند، باز هم مرتکب جرم جنگی دیگری می‌شد - حمله عمدی به یک کشتی غیرنظامی بدون سلاح که دام حمل می‌کرد.

انگیزه‌ها و نظریه‌ها

چرا به یک کشتی آمریکایی حمله کنیم؟ چندین احتمال همگرا می‌شوند. با غرق کردن لیبرتی، اسرائیل می‌توانست کشتی‌ای را که مأمور جمع‌آوری اطلاعات سیگنالی بود خاموش کند - اطلاعاتی که ممکن بود عملیات اسرائیلی را فراتر از آنچه تل‌آویو به واشنگتن اعتراف کرده بود، فاش کند. با استفاده از هواپیماهای بدون علامت و تلاش برای غرق کردن کامل کشتی، اسرائیل ممکن بود امیدوار باشد که حمله را به مصر نسبت دهد و بدین ترتیب ایالات متحده را به جنگ به نفع اسرائیل بکشانند. و با پارازیت کردن رادیوهای کشتی، اسرائیل به‌وضوح نشان داد که نمی‌خواهد بازماندگان اعلام کنند مهاجم واقعی کیست. محتمل‌ترین توضیح این است که اسرائیل قصد داشت لیبرتی زیر امواج غرق شود، بدون شاهی که روایت آن را نقض کند.

سرپوش گذاشتن و خیانت

اگر حمله تکان‌دهنده بود، پیامدهای آن شرم‌آور بود. به بازماندگان دستور داده شد که تحت تهدید دادگاه نظامی سکوت کنند. تحقیقات نیروی دریایی ایالات متحده تنها یک هفته طول کشید، با شهادت‌هایی که به شدت محدود شده بودند. رئیس‌جمهور لیندون جانسون و وزیر دفاع رابرت مک‌نامارا هواپیماهای آمریکایی را که برای دفاع از لیبرتی فرستاده شده بودند، فراخواندند و ژئوپلیتیک را بر زندگی سربازان خود ترجیح دادند.

مقامات ارشد بعداً حقیقت را پذیرفتند. وزیر امور خارجه دین راسک اعلام کرد که هرگز توضیح اسرائیل را نپذیرفته است. دریاسالار توماس مورر، رئیس سابق ستاد کل ارتش، حمله را عمدی و سرپوش را “یکی از موارد کلاسیک تمام دوران سرپوش گذاشتن دولت ایالات متحده بر حقیقت” نامید. مشاور رئیس‌جمهور کلارک کلیفورد به صراحت اعتراف کرد که واشنگتن اتحاد با اسرائیل را “مهم‌تر از جان مردان ما” قضاوت کرد. حتی مراسم اهدای مدال افتخار به کاپیتان ویلیام مک‌گوناگل به صورت عمدی کم اهمیت جلوه داده شد و از افتخارات معمول کاخ سفید محروم شد.

نتیجه‌گیری: بزرگ‌ترین متحد آمریکا؟

حادثه یواس اس لیبرتی یک واقعیت وحشیانه را آشکار می‌کند: در سال ۱۹۶۷، اسرائیل صدها آمریکایی را کشت و معلول کرد و واشنگتن اسرائیل را از پیامدها محافظت کرد. خود حمله تمام نشانه‌های عمدی بودن را دارد - چندین مرحله، پارازیت عمدی، هواپیماهای بدون علامت و شلیک به قایق‌های نجات. سرپوش ثابت می‌کند که رهبران ایالات متحده آماده بودند تا عدالت، پاسخگویی و یادبود مردگان را قربانی کنند تا اتحاد را حفظ کنند.

ده‌ها سال است که بازماندگان مراسم‌های یادبودی برگزار می‌کنند که عمدتاً توسط دولت خودشان نادیده گرفته شده‌اند، حتی در حالی که لفاظی‌های “بزرگ‌ترین متحد آمریکا” در واشنگتن ادامه دارد. اما لاشه لیبرتی و شهادت خدمه‌اش داستان دیگری را روایت می‌کند - داستانی از خیانت، سکوت و رابطه‌ای که در آن جان‌های آمریکایی قابل صرف‌نظر تلقی شده‌اند.